

نقش صنایع سنگین در توسعه اقتصادی



بقلم آقای دکتر علینقی عالیخانی - وزیر اقتصاد



«۲»

از تمام اینها گذشته هر بار که واحدی از رشته‌های مختلف صنایع سنگین ایجاد میشود ظهور تأسیسات دامنه‌دار صنعتی دیگری را نیز در جوار خود موجب میگردد و فواید عظیمی که از این دور تسلسل بوجود میآید طبعاً نصیب همه کشور میشود و تجسم این دور تسلسل را به بهترین وجه میتوان با بررسی اثرات اقتصادی يك کارخانه ذوب آهن حاصل کرد. تأسیس يك کارخانه ذوب آهن لزوماً ایجاب میکند که سنگ آهن و ذغال سنگ از معادن استخراج شوند و آهن و مواد و مصالح دیگر از جمله مقادیر معتنابه آب و برق و انرژی برای تأمین نیازمندیهای اجتناب ناپذیر کارخانه ذوب آهن تأمین گردد. ذغال سنگ را باید به يك تبدیل کرد و ضمناً کارخانه‌های شیمیائی معینی ایجاد نمود تا بتوانند از مشتقات و محصولات فرعی کارخانه كك سازی و غیره استفاده نمایند همچنین در صورتیکه محل کارخانه ذوب آهن و یا مواد خام مورد احتیاج در نقاطی واقع باشد که در آنجا قبلاً زیربنای لازم فراهم نشده باشد و یا بحد کافی جواب نیازمندیهای کارخانه ذوب آهن را ندهد باید چنین زیربنائی را بوجود آورد اما روشن است که کار بهمین جا ختم نمیشود و پس از آنکه کارخانه ذوب آهن تأسیس شد صنایع متعددی در اطراف آن بوجود خواهند آمد که از آهن و فولاد محصول کارخانه استفاده خواهند کرد و همین صنایع به صنایع دیگری برای تعمیر و سرویس کارخانه احتیاج خواهند داشت. باین ترتیب کارخانه ذوب آهن نه تنها موجب ظهور پیوندهائی میشود که در جلو و پشت سر کارخانه شروع به نشو و نما خواهند کرد بلکه در عین حال تأسیساتی که در جوار ذوب آهن بوجود میآید فرصت‌های متنمی خواهند یافت تا از محصولات فرعی و ثانویه یکدیگر نیز استفاده کنند. پابهای توسعه این کارخانه‌های مختلف افراد زیادی بکارگمارده میشوند و برای اینکه نیازمندیهای این افراد تأمین شود صنایع تولید کننده کالاهای مصرفی و خدمات پا بعرضه وجود میگذارند و مالا صنایع واسطه هم بدنبال آنها قدم به میدان میگذارند تا بنوبه خود نیازمندیهای صنایع مصرفی را تأمین کنند. ضمناً ایجاد این مجموعه موجب میشود

که هزینه اداره امور واحدهائی که در آن سهام و شریک هستند به حداقل تقلیل یابد و از هزینه حمل و نقل برای بسیاری از واحدهای صنعتن کاسته شود.

ایجاد و توسعه این قبیل تأسیسات هم جوار و فشرده صنعتی مخصوصاً در ممالکی که بملکت وسعت خاک شرایط جغرافیائی پر تنوعی دارند حائز اهمیت است. در این قبیل کشورها ایجاد شبکه ای از تأسیسات هم جوار در اطراف یک واحد سنگین صنعتی خود بخود تبدیل به قطبی میشود که جاذبه و اثرات آن شعاع های دور و دورتری را در بر میگیرد.

بوجود آوردن یک چنین مجموعه صنعتی در اطراف صنایع سنگین با اثرات انکارناپذیری که از وجود آنها بر بخشهای دیگر اقتصاد مترتب میشود یکی از مؤثرترین وسایل تعمیم تحول و آبادانی در مناطقی است که تنها رسوخ پرتحرک و قدرت استوار صنعت قادر است حصار عقب ماندگیهای عمیقشان را درهم بشکند.

اکنون میخواهم در چهارچوب مطالبی که تا اینجا بیان کردم جریان توسعه صنعتی را در کشور خودمان بطور اجمال مورد بررسی قرار دهم.

اگرچه در اوایل قرن حاضر معدودی از واحدهای کم اهمیت صنعتی در ایران وجود داشتند ولی بهر حال امر توسعه صنعتی از زمان سلطنت رضاشاه کبیر بطور جدی مورد توجه قرار گرفت. البته توسعه صنعت نفت را که فعالیت آن سالها پیش از جنگ اول جهانی در ایران آغاز شد باید در این زمینه مستثنی دانست.

رضاشاه کبیر قبل از هر چیز امنیت را که فوق العاده مورد احتیاج ایران بود در سراسر مملکت برقرار کرد و وقتی امنیت برقرار شد بسیاری از اصلاحات اجتماعی هم بدینال آن جامه عمل پوشیدند. رضاشاه فقید در سال ۱۹۲۸ در تحصیل استقلال گمرکی برای ایران توفیق یافت و این امر کنترل تجارت خارجی و حمایت از صنایع نو بنیاد و تازه پای داخلی کشور را امکان پذیر نمود تحولات مورد بحث با اثراتی که از رکود بزرگ اقتصادی دنیا در سالهای ۹۳۰ بیعد عارض شد و با تدارکاتی که از لحاظ ایجاد زیر بنای توسعه اقتصادی کشور فراهم آمد دست بدست یکدیگر دادند و راه را برای توسعه صنعتی در ایران هموار کردند و برنامه توسعه صنعتی کشور متناوباً در زمینه هائی نظیر صنایع نساجی و تولید قند و مصالح ساختمانی و تسلیحات بمرحله اجراء درآمد. در این برنامه ایجاد یک کارخانه کوچک ذوب آهن نیز پیش بینی شده بود که با وقوع جنگ دوم جهانی مصادف گردید و در نتیجه ایجاد آن سرانجامی نیافت. روی هم رفته طی مرحله پیش از جنگ قریب ۱۰۰ واحد صنعتی در بخش دولتی و چند صد واحد کوچکتر در بخش خصوصی پا برصه وجود گذاشتند.

بعد از جنگ جهانی دوم فکر تدوین برنامه های چند ساله مورد قبول قرار گرفت در دو برنامه هفت ساله اول کوشش دولتها بطور عمده متوجه توسعه زیر بنای اقتصاد و بخشهای کشاورزی و خدمات اجتماعی بود و نسبت به توسعه صنعت در بخش دولتی تأکید و عنایت چندانی مبذول نگردید. اما بهر حال صنایع بخش خصوصی از اواسط دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰

بسرعت روبه رشد گذاشت و این تا حدود زیادی مرهون کمک‌هایی بوده که از طریق تسهیلات و تشویق‌های گوناگون و از جمله اعطاء اعتبارات از جانب دولت صورت گرفت.

نمایشگاه صنایع که چندماه پیش در تهران تشکیل گردید نمونه بارزی از موفقیت‌های بزرگی بود که توسط بخش خصوصی حاصل گردید در حال حاضر رشد صنایع مصرفی در ایران به پایه‌ای رسیده که احتیاجات داخلی را تأمین می‌کند و توسعه آینده آنها در بسیاری از زمینه‌ها فقط بستگی به رشد بازم بیشتر بازار داخلی و یا امکان دسترسی آنها به بازارهای صادراتی دارد. اکنون قدم به مرحله‌ای از توسعه اقتصادی گذاشته‌ایم که صرف سرمایه‌های سنگین برای ایجاد صنایع اساسی قابل توجیه است و بطوریکه میدانید هم دولت و هم بخش خصوصی هر کدام وارد مراحل مختلف تنظیم و اجرای طرح‌های ذوب آهن ماشین سازی کارخانه‌های نورد فولاد و صنایع پتروشیمی شده‌اند.

بنابراین نخستین شرط مقدماتی برای توسعه صنایع اساسی که عبارت از کفایت تقاضا باشد اکنون در ایران فراهم شده است.

من قبلاً اشاره کرده بودم که دسترسی به منابع طبیعی و سرمایه را نیز باید از جمله شرایط مقدماتی توسعه صنایع اساسی بحساب بیاوریم. منابع طبیعی مورد احتیاج برای تحقق این هدف عبارتند از مواد معدنی و انرژی که هر دو به اندازه و قور در کشور ما وجود دارند. و اما در مورد منابع سرمایه باید یادآوری کنم که ایران از این لحاظ هم خوشبختانه وضع مساعدی دارد و برخلاف بسیاری از ممالک در حال توسعه لزومی نیست که برای رشد صنایع اساسی بارسنگین و طاقت‌فرسائی را بر کشاورزی مملکت تحمیل کنیم زیرا وجود منابع سرشار نفت و گاز طبیعی امکان داده است تا کار توسعه صنعتی و از جمله ایجاد صنایع اساسی در کشور ما قابل تحمل‌تر باشد.

در این زمینه مایلم باردیگر توجه خوانندگان را به این نکته جلب کنم که بعضی از صنایع اساسی که پتروشیمی مهمترین آنهاست در آینده تبدیل به سرچشمه‌های قیام تحصیل ارز برای مملکت ما خواهند شد و از این هم مهمتر سرعت روزافزونی است که از چندی پیش در افزایش صادرات معمولی حاصل شده است. در اینجا باید این نکته را نیز یادآوری کنم که آنچه که باصطلاح اقالام معمولی صادراتی ایران نامیده میشود شامل بسیاری از اقالام کالاهای ساخت مملکت است و تعداد این اقالام نیز مرتباً رو با افزایش می‌رود.

در مقابل این مواهب و مزایا مسئله کادرفنی قرارداد دارد. فقدان کادر فنی همواره یکی از مهمترین ملاحظاتی است که رفع آن باید بمنظور توفیق طرح‌های اقتصادی و اجتماعی در ممالک در حال توسعه مورد توجه قرار گیرد. اما خوشبختانه در ایران در مورد این مشکل وقوف کامل وجود دارد و لزوم تعلیم و پرورش فنی کارگران کشور و لزوم اشغال پست‌های پرمسئولیت و برجسته بوسیله مدیران ایرانی در تمام قراردادهائی که تاکنون برای ایجاد صنایع سنگین با ممالک دیگر منعقد گردیده مورد توجه مخصوص قرار گرفته است. بدیهی

است که ایجاد صنایع سنگین تر بخودی خود وسیله مؤثری است که سطح مهارت‌های فنی را در کشور ما بالا خواهد برد.

ضمناً در این نکته شاید تردید نباشد که مهمترین و ارزنده‌ترین منابع ثروت يك کشور مردم آنند. کشفیات علمی افکار بزرگ و مؤسسات و سازمانهای مجهز و مؤثر همه از تفکرات انسانی سرچشمه میگیرند و بهمین جهت است که پرورش مغزها و تفکرات مورد توجه دقیق دولت قرار گرفته و بودجه‌های قابل ملاحظه‌ای برای تقویت و اعتلای نیروی معنوی جامعه اختصاص یافته است.

بهر حال با توجه بآنچه که گفته شد اکنون اقتصاد ایران در رهگذار توسعه صنعتی به مرحله‌ای رسیده که ایجاد واحدهای بزرگ و سنگین را کاملاً توجیه میکند و از عهده تأمین عمده‌ترین شرایط مقدماتی برای توسعه این صنایع برمیآید. بنا بر این کشور ما قدم به آستانه دوران تازه‌ای گذاشته که نوید بخشی ایجاد يك سطح زندگی عالیتر برای جامعه ایرانی است.

کارخانه ذوب آهن که اولین و مهمترین واحد از صنایع سنگین است سرچشمه خدمات دامنهداری برای تحقق یافتن این هدف در کشور ما خواهد بود. ایجاد ذوب آهن احتیاجات بسیاری از صنایع را تأمین خواهد کرد و به این ترتیب سلامت و دوام فعالیت این صنایع را تضمین خواهد نمود. ضمناً کارخانه ذوب آهن چنانکه قبلاً گفتیم بنوبه خود وسیله‌ای خواهد بود تا مجموعه صنایع وابسته را در اطراف خود ایجاد کند و بعنوان يك قطب توسعه نقش مؤثری در بالا بردن درآمد ملی و افزایش صرفه جوئیهای ارزی و تهیه کار برای افراد مملکت ایفاد نماید.

خط لوله انتقال گاز نیز که قرار است از جنوب به شمال کشیده شود در مسیر خود همه‌جا را از انرژی سیراب خواهد ساخت و معذالک این واحدها گرچه از جمله مهمترین تأسیسات صنعتی هستند اما بهر حال آخرین واحدها نخواهند بود. بهمراه ایجاد ذوب آهن شرکتهای پتروشیمی ایجاد میشود و توسعه مییابد صنایع اتومبیل سازی تأسیس میشود و گسترش پیدا میکند و تصفیه‌خانه نفت در تهران برپا میگردد تأسیسات ماشین‌سازی در تبریز و مناطق مرکزی ایران بوجود میآید و کارخانجات نورد فولاد و آلومینیوم در خوزستان و بسیاری صنایع اساسی دیگر در نقاط مختلف ایجاد خواهد شد و این طرحها اثرات پر دامنه‌ای در تسریع رشد اقتصادی کشور باقی خواهند گذاشت.

من بمناسبت وظیفه‌ای که بعهده گرفته‌ام طبعاً میبایست بآینده خوشبین باشم ولی تصور میکنم که شما خواننده عزیز در این عقیده با من شریک هستید که نقطه اتکاء من در این خوش‌بینی فوق‌العاده استوار است.